

تاریخ وصول: ۹۱/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۳۰

بررسی تأثیر آموزش در پویایی و تداوم عرفان اسلامی در ایران

محمدرضا کرمی پور^۱

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، استادیار گروه علوم تربیتی، زنجان، ایران

نقی کمالی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه علوم تربیتی، زنجان، ایران

چکیده:

عرفان چه در مفهوم عام و چه در معنای خاص از ابتدای ظهور در ایران ابتدا به شیوه آموزش ضمنی از پیر به جوان و شیخ و مراد به شاب و مرید در مجامع عمومی و در گفتگوهای روزمره انتقال یافته و در ذهن و قلب مردم نفوذ نموده با پیدایش دین اسلام و تربیت عارفان بزرگی چون- خواجه نصیرالدین طوسی، سعدی، حکیم ابوعلی سینا، شیخ اشراق و صدرا در طول ادوار مختلف آموزش‌های رسمی به صورت مستقیم از لحاظ علمی و عملی را ترویج نموده، شاگردانی را با استفاده از مجموعه رویکردهای تربیتی رفتارگرایی، شناخت گرایی، انسان‌گرایی و اجتماعی به محیط آموزشی آورده به سلاح علم و عمل تجهیز نموده و تحویل جامعه ایرانی داده‌اند. پژوهشگران در این مقاله ضمن بررسی نظریه‌های تربیتی و کاربرد آن‌ها در عرفان در جهت آموزش و پرورش جوانان، انسان‌ها را به کسب دانش و سیر و سلوک با ابنای بشر و هموعان خویش در کره خاکی تشویق نموده‌اند تا عرفان نظری را با استفاده از نظریه‌های تربیتی که راهنمای عمل می‌باشند به عمل تبدیل نمایند.

کلید واژه‌ها:

عرفان اسلامی، دانش نظری، معرفت توحیدی.

^۱ - Karamipour.Mohammad reza@yahoo.com

پیشگفتار

آموزش به عنوان کلید ورودی به دانش‌های الهی و مدخل بینش‌های طبیعی و مفتاح راز و رمز کرات آسمانی موجب دستیابی بشر به قله رفیع آگاهی و دریافت اسرار خلقت شده، ارتباط انسان را با خویشتن خویش، خالق بی همتا، طبیعت مرموز و بشر پیچیده برقرار، پیوسته و مستمر می‌سازد. آری سالک حقیقت در جستجوی معرفت الهی راهی را دنبال می‌کند که از دل وی نشأت گرفته و با نیتی خالص به قصد قُربۀ اَلّی الله یعنی نزدیکی به خدائی که از رگ‌های گردن به انسان نزدیکتر است در مسیر رشد^۱ و کمال^۲ حرکت می‌کند. از تنبلی فرار نموده با انتخاب اصل^۳ فعالیت که یکی از اصول مهم تربیتی شناخته می‌شود؛ تسلیم و توکل^۴ با قلب سلیم و تیز هوشی و عیاری مسیر سلوک را چون مولوی‌ها، حافظ‌ها، سعدی‌ها، شیخ اشراق‌ها، ابوسعیدها، ابن عربی‌ها و جامی‌ها با صعوبت و دشواری‌هایی که دارد طی می‌کند تا با عشق و طلب به مقامات عالیۀ اولو‌هیت که با مدارج دنیوی و مادی به هیچ وجه قابل مقایسه نیست نائل شود.

توکل در این مسیر از راهبردهای همراه و انیس و جلیس عارفان در راه نیل به مقصود شناخته می‌شود که عارف رهرو را به یقین، مکاشفۀ^۵ عینی و لمس قرب حق تعالی نائل می‌سازد.

آنچه از اصول و راهبردهای آموزشی مستفاد می‌شود عرفان اسلامی جز حرکت پیوسته همراه با تفکر و اندیشه ورزی به قصد درک علوم و ارتباط میان دانش‌ها به منظور نیل به هدف

^۱- development.

^۲- evolution.

^۳- activity principle.

^۴- trust in God.

^۵- divinity.

^۶- revelation.

بررسی تأثیر آموزش در پویایی و تداوم عرفان اسلامی در ایران/ ۱۶۳

واحد چیز دیگری نیست. با اصول آموزش یعنی فعالیت و آزادی انتخاب راه نیل به هدف را برگزیده و با استفاده از روش‌های آموزشی مناسب به طور عادی و راهبردهای اثربخش جهت سرعت بخشیدن به زمان انجام کار، با رغبت و رضای خاطر کشف اسرار حکمت و حقیقت را پی می‌گیرد. در این رهگذر از هدایت مربیان چون شیخ و مراد باید استفاده نموده، صراط مستقیم را در جهت نیل به مطلوب درنوردید.

قطع این مرحله بی هم‌راهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی

(دیوان حافظ)

هوشیاری و بیداری شاگرد کلاس در کشف رموز دانش و سازماندهی آن در یادگیری نقش بسزائی دارد. (صدرالمتالهین، ۱۳۷۵، ۴۶)

آموزش را می‌توان به عنوان فرآیند معرفت^۱ شناسی، ابزار زیبایی شناسی، فراگرد غور و بررسی در فیزیک (عالم ماده و طبیعت) و متافیزیک^۲ «دنیای معنوی و جهان اخروی» و راهنمای طی منزل از عالم مادی ناسوت به عالم عرفانی لاهوت^۳ شناخت. آموزش که در دنیای شگفت انگیز دانش و بارگاه ملکوتی عرفان مراحل دارد. از طلب آغاز شده و عارف با عشق و صداقت آن را آغاز می‌کند. و با تزکیه که جنبه اخلاقی دارد جایگاه سالکان را با ریاضت همراه با خضوع و خشوع طی می‌نماید، آموزش سالک حقیقت را از لغزش‌ها و خطاهای خویش منزجر و تائب نموده به کسوت انسان بی‌گناهی در می‌آورد که پروردگار چون مربی^۴ دوستدار متربی، تائب را شامل لطف و رحمت خود قرار داده و غفلت^۵ بنده و مرید خود را می‌پذیرد. در این گام عرفانی به موجب این آیه شریفه «فَوَجَدَ عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتِينَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^۶ این بنده با احساس نیاز به حق تعالی و بی‌نیازی از غیرخدا و خاطری آسوده و همراه با آرامش و متانت که از ویژگی‌های عاشقان نور و خصائل مومنان

^۱- epistemology.

^۲- meta physics.

^۳- theology.

^۴- educator.

^۵- negligence.

^۶- (تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم. (سوره الکهف، آیه ۶۵).

صبور می‌باشد به اکتشاف رمزهای پنهان و درک اسرار پنهان پرداخته و با رضا و تسلیم^۱ در برابر مشکلات با استعانت از امداد^۲ غیبی با اراده‌ای خلل ناپذیر استقامت نموده و با راهبردهای افاضه و اشراق رموز مکتوم و اسرار پنهان را کشف می‌نماید. برای درک ارتباط مبانی نظری تربیتی، هدف‌ها و جنبه‌های عملی را مورد بحث و بررسی قرار داده و با شناور شدن در آب‌های اقیانوس عرفان و عبور از مراحل دشوار آن با ترک تعلقات مادی و تحمل رنج و سختی‌ها که خاص رهروان روشنگر و مریدان معرفت جو می‌باشد، به دانش شهودی^۳، بینش عقلانی و مهارت عرفانی راه می‌یابند.

مبانی نظری آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت که پیدایش آن با خلقت انسان در روی کره خاکی زمین، آغاز شده، پیوسته در طول تاریخ کلید آگاهی، مفتاح دانش و بازگشائی بصیرت^۴، ابزار رشد و وسیله گسترش افق‌های ذهنی بشر به سوی پنجره‌های عینی می‌باشد با عرفان به مفهوم اعم یعنی جستجو برای معرفت و رمزگشائی و رازیابی معنوی همراه بوده است.

عرفان به مفهوم شناخت الوهیت پدیده‌ها و درک^۵ معنویت زندگی رخدادها که از زمان‌های باستان در یونان، رم، مصر و هندوستان پا به عرصه هستی گذاشته و موجودیت خود را ظاهر نموده، با استفاده از راهبردهای آموزشی و نیل به سیر و سلوک و مراتب عرفانی قادر به حفظ و ابقای فرآیند وسیع عرفانی یعنی توحید و یگانه‌شناسی پروردگار یکتا شده، تاکنون در سراسر جهان پایداری، رشد و اعتلای بشر در عرفان اسلامی از لحاظ مبانی نظری و جهات علمی با آموزش به سوی رشد و کمال فرآیندهای پرنشیب و فرازی را پیموده است. پژوهشگران در این مقاله ضمن معرفی مفاهیم و مبانی نظریه‌های عرفانی پیشینه تحول آن را همراه با آموزش به عنوان راهبردی پایدار در مکتب اسلام مورد بحث و بررسی قرار داده و در پایان به این نتیجه نائل شده که برای نیل به فرآیند تعادل در نظر و عمل می‌توان به تلفیق عرفان و مدرنیته اهتمام نمود تا از افراط و تفریط‌هایی که در هر یک از فرآیندهای مذهبی و

^۱- yield.

^۲- divine assistance.

^۳- intuitive.

^۴- insight.

^۵- perception.

^۶- process.

روشنفکری ممکن است منتهی به بی بند و باری، و یا گرایش به خرافات^۱ و اوهام و جادوگری گردد، جلوگیری به عمل آید. بدون شک زیاده روی در تجددطلبی و روشنفکری^۲ سبب بی دینی و لاابالی گری، و موجب عدم مسئولیت نقش‌هایی که فرد از لحاظ فردی و اجتماعی به عهده دارد شده موجبات زیاده روی در آزادی و بی بند و باری و لجام گسیختگی را برای انسان فراهم می‌نماید.

همانطور که افراط در عرفان راه را به سوی خرافات و اوهام سوق داده و رهروان را، از منطق و استدلال خارج کرده، به دره خیال‌ها و اوهام انداخته، جامعه را دچار تزلزل فکری و بی ارادگی می‌سازد.

نظریه‌های آموزشی

تعلیم و تربیت دارای تئوری‌های^۳ علمی می‌باشد که راهنما و جهت یاب راه پرمخاطره فراگیرندگان و مشوق معرفتجویان در فرآیند تعلیم و تربیت و نیل به اهداف مادی و معنوی می‌باشد. افرادی که در زمینه‌های معرفت الوهیت رویدادها گام بر می‌دارند نیز ملزم به طی مراحل آموزشی و تلفیق سبک‌های یادگیری و الگوهای فعال آموزشی و راهبردهای تدریس در جهت نیل به قله‌های معرفت و حقیقت می‌باشند. مسلم است که فعال شدن شیوه‌های آموزشی همواره با پیشرفت علم و تکنولوژی همگام بوده است. اکتشافات و نوآوری‌های بشر از قبیل رایانه‌ها، ماهواره‌ها، و وسائل ارتباطی انسان‌ها، رشته‌های تازه‌ای را در برنامه‌های درسی به وجود آورده‌اند که در شیوه‌های آموزشی موثر بوده است. در تحقیقاتی که به عمل آمده نظریه‌های آموزشی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱- نظریه رفتارگرایی^۴:

رفتار هر فرد نشانگر خلاقیت ذهنی و آثار فکری، علائق و نیازهای وی شناخته می‌شود. این نظریه که قبل از نظریه شناخت گرائی در آموزش با تحقیقات روانشناختی بر روی موجودات زنده مدتها در صحنه تعلیم و تربیت غالب بود یادگیری را مشروط به ایجاد محرک‌های مادی و معنوی تلقی نموده، دریافت پاسخ را در واقع نتیجه شرطی شدن

^۱- superstition.

^۲- intellectualism.

^۳- scientific theories.

^۴- Behaviorism.

^۵- stimuli.

می دانست که در کلیه فعالیت‌های روزانه انسان جاری و ساری است، به عنوان مثال فراگیرنده به معلم سلام می‌دهد، معلم در پاسخ علاوه بر جواب، حال او را جویا می‌شود، دانش آموز بار دوم زودتر سلام می‌دهد. دانش آموز درس را به خوبی بیان می‌کند، معلم بی‌اعتنائی می‌نماید، دانش آموز دلسرد می‌شود. این نظریه چنانچه به طور مستمر در عمل پیاده شده، یعنی در دبستان با پیگیری معلم و دانش آموز دنبال شود برای دانش آموز به صورت عادت^۱ در می‌آید به ویژه در دوره اول^۲ تحصیلی رسمی بسیار مطلوب خواهد بود. در عرفان این نظریه به صورت مرید و مراد، سالک و شیخ از عارف به عنوان الگویی متألّه، مرشد و طلایه دار راه حق استفاده نمود، پس از پیمودن مدتی مسیر^۳ تزکیه و سلوک به خصائل توحیدی عادت نموده و به درک و عمل صفات عرفانی در اسلام نائل خواهد شد. (باقری، ۱۳۹۰، ۲۸)

عرفان در این جنبه نظری انسان را از محدوده خودی رها کرده و به وجود ماورای دنیای خود سوق داده با الگوگیری و پیروی از عرفا در مسیر نیل به کمال مراحل عرفانی را طی نموده، چون اقدامات خداگونه با رضایت و قدرشناسی مراد تأثیرگذار همراه است شاد و امیدوار از عالم شریعت^۴ به جهان طریقت^۵ گام بر می‌دارد تا به حقیقت^۶ که برای انسان جاودانی است نائل شود.

کلیه رفتارهای انسان در فرآیند آموزش- یادگیری محصول تشویق‌هایی است که عملکرد آدمی را افزایش داده در بهبود و اصلاح رفتار اثرگذار است. (بی اف- اسکینر، ۱۹۹۰، ۹۴) بنابراین نقش مربیان این است که شرایط موجود را شناخته و به شگردهایی متوسل شوند که از لحاظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی شاگردان کلاس را در ابراز رفتار یادگیری تقویت نمایند. از جمله می‌توان سنن^۷ فرهنگی، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطات میان فردی و آموزش‌های عرفانی و خدانشناسی را با توجه به تقویت محرک‌های مادی یا معنوی که پاسخ‌های صحیح در بردارد آموخته و با طراحی و برنامه ریزی درسی که کانون آموزش و

^۱- habit.

^۲- primary school.

^۳- purification.

^۴- دانش.

^۵- عمل.

^۶- وجود خدا.

^۷- cultural traditions.

پرورش محسوب می‌شود و انتخاب الگوهای تدریس مناسب رفتار را تقویت نموده تا دگرگونی در رفتار آشکار شده و پس از مدتی رفتارها به صورت عادی و طبیعی ادامه یابند.

۲- شناخت گرای: ^۱

نظریه شناخت گرائی که با انتقاد از نظریه رفتارگرائی به وجود آمد، برخلاف رفتارگرائی که محیط و شرایط در رفتارآدمیان نقش دارند، تفاوت‌های رفتاری را سبب می‌شوند. شناخت گرائی به ذهن انسان که فرایندی درونی است توجه دارد. در شناخت گرائی فراگیرنده با یاری ادراک و راهبردهای لازم به اکتساب^۲، پردازش^۳، ذخیره، و بازیافت اطلاعات و دانش از طریق ذهن مشتاق و پویا می‌پردازد. (پارسا، ۱۳۷۴، ۹۳)

به موجب نظریه فوق انسان به کمک فرآیندهای شناختی که شامل تفکر، یادسپاری، یادآوری و استدلال به شکل مجموعه‌ای پیچیده می‌شود مطالب علمی را فرا گرفته، مسائل ریاضی، اجتماعی و عرفانی را حل نموده و با کسب بصیرت و تجربه قادر خواهد بود آینده را پیش بینی نماید. در عرفان اسلامی نیز به تفکر و اندیشه ورزی به حدی اهمیت داده شده که یک ساعت تفکر را برابر با ۷۰ سال عبادت می‌داند. به علاوه داستانی که از پیامبر گرامی اسلامی نقل می‌کنند مهر تأیید بر راهبرد شناختی است روزی پیامبر بزرگوار به مسجد مشرف شدند. گروهی از مومنان مشغول خواندن نماز، و تعدادی سرگرم بحث‌های علمی بودند. فردی از رسول اکرم سوال کرد، عمل کدام یک از این دو گروه برتری دارد؟ پیامبر فرمود: هر دو کار خوب انجام می‌دهند. اما آن گروهی که بحث علمی را دنبال می‌کند نیکوتر است.

از بررسی‌های مکاتب عرفانی چنین بر می‌آید، که تمام ملتهای روی زمین به طور کلی از عقل^۴ و خرد برخوردار بوده. منتهی تفسیرات آن‌ها که می‌تواند بیانگر حقیقت باشد، ممکن است متفاوت باشد. حقیقت در تمام مذاهب و مکاتب یکی است خواه در کتاب به چاپ رسیده و یا دستنویس ارائه شده و یا به طور شفاهی از نسل سابق به نسل لاحق انتقال یافته باشد. عرفاء مذهب جدیدی را به وجود نیاوردند، بلکه یک حقیقت را به زبان‌های مختلف بیان کردند.

¹- cognitivism.

²- acquire.

³- process.

⁴- Academic discussions.

⁵- wisdom.

ما نه تنها کلید آن را گم کرده ایم بلکه هدف اصلی مقصد عمده آن را فراموش کرده ایم. حقیقت در همه جا یکی است ولی بیان الوهیت اشیاء و معنویت رویدادها مختلف است. زیرا ابنای بشر در مکان‌های مختلف با بینش‌های متفاوت و آگاهی^۱ انفرادی شان نظریه خود را منعکس می‌نمایند. برای رفع این ایراد می‌توان عرفائی بار آورد که مجهز به ابزار سعه صدر، جامعیت اندیشه، انعطاف پذیری و ژرف اندیشی بوده در قرن انفجار اطلاعات از یکسویه نگری، و جزم اندیشی به دور باشند.

تفکر در اسلام براساس معرفت توحیدی، بشر، جهان و طبیعت به عنوان یک نظام مرتبط به یکدیگر می‌چرخد که با عشق، طلب و کوشش از درون انسان نشأت گرفته، در روند تکاملی عرفان راه‌های پرپیچ و خم نیل به معبود را با امیدواری طی می‌کند. به نظر می‌رسد اعتقاد به این رویکرد نه تنها مخالف با روشنفکری نیست، بلکه مدرنیته در فرآیند جنبش و استمرار آن که بعضی از عرفا، از آن به عنوان عقل مستقل یاد کرده و پروردگار را با آن می‌توان شناخت. باید نهادینه شود. (جان لاک، ۱۳۷۱، ۲۵) چون دانش و یادگیری میان روشنفکران و مردم عادی از هم فاصله داشته و فقط نخبگان^۲ از دانش و بینش بالا برخوردار می‌شوند. روشنفکری در زندگی اجتماعی نهادینه نخواهد شد، مگر اینکه قدرتمندان سیاسی بعضی از عقائد مطلوبشان را از طریق تحقیق به اکثریت مردم تلقین نمایند و فاصله فرهنگی میان عالمان ربانی و مردم عادی را با راهبردها و آموزش‌های مناسب کم نموده، طبقه عامی را حداقل به متوسط نائل سازند. البته مداخله در این امر نباید گروهی را به طرفداری از خدا در مقابل گروه دیگر تقویت نماید. اندیشه تقسیم مردم به نخبگان و عام یعنی مردم عالم و جاهل اصل سلطه را بیاد می‌آورد با وجودی که شناخت در آموزش و پرورش باید برای همه باز و آزاد باشد که با اصل حقوق توده‌ها منافات دارد. در اسلام از نور به عنوان استعاره استفاده شده که مفهوم آزادمندی، منطق محوری و انسان گرایی را در برداشته، سوالی که مطرح می‌شود این است که ما نیاز به روشنفکری خارج از فرهنگ خود داریم. جواب، اسلام خود مبتکر نور و روشنفکری بوده که پانزده قرن پیش آن را به تمام دنیا ابلاغ کرده است در حالی که جهان در تاریکی بسر

¹- personal awareness.

²- approach.

³- elite.

⁴- institutional.

⁵- metaphor.

می‌برد، استعاره روشنفکری در اسلام و غرب متفاوت است زیرا روشنفکری در غرب از حکومت دموکراسی ناشی می‌شود و در اسلام از شورا نشأت می‌گیرد که مبنای اقتدار آن قانون خدا می‌باشد.

۳- نظریه انسان‌گرایی:

انسان به طور کلی از فطرتی پویا و ماهیتی تلاشگر برخوردار بوده، در تمام مراحل آموزشی خواه مادی و خواه معنوی و یا ترکیبی از هر دو به دور از تحجر و واپسگرایی با تمایل به خلاقیت، استعداد خود را شکوفا می‌سازد. پدید آوردن فرصت‌های قابل استفاده در تمام زمینه‌ها به ویژه عرفان و تصوف که مهد خود‌اشکوفائی و نقطه اوج خودسازی و تزکیه نفس، از نقش‌های برجسته مربیان و عارفان خداجوی می‌باشد که با بکارگیری بهینه فرصت‌ها مریدان و تلامذه را در جهت طی راه‌های صعب‌العبور یاری می‌نمایند تا آزادانه فرایند یادگیری را تسریع و تسهیل نمایند. چگونه آموختن مهم است زیرا بین تدریس و آموختن تفاوت دارد. هنر مربی در این نیست که فقط خوب تدریس نماید، بلکه خوب بیاموزد تا نظریه انسان‌گرایی که در عرفان جایگاه والائی دارد و انسان را، قابل انعطاف و تحول پذیر می‌داند که در جستجوی اسرار طبیعت و ماورای آن نیازمند آموزش در جهت یادگیری و انسان‌گرایی می‌باشد. ابراهام مزلو با توجه به نیاز خود شکوفایی انسان که اعتلا و بالندگی دنیای بشر را سبب می‌شود نظریه انسان‌گرایی را جرز را تکمیل می‌سازد. بموجب این نظریه رابطه تعاملی معلم و شاگرد که با صداقت و اطمینان همراه است فراگیرنده یادگیری را دنبال نموده، در دانش آموز احساسی ایجاد می‌کند که شایستگی یادگیری، پیشرفت و اعتلاء را داشته می‌تواند با خود ابتکاری در فرآیند یادگیری مشارکت فعال داشته بجای راه حل تجویزی، راه حل منطقی و بهینه مشکل را خود بیابد. (مزلو، ۱۹۶۰، ۳۵)

¹- Humanism.

²- self-actualization.

³- flexible.

⁴- interactive.

⁵- self initiation.

عارف وسیله شناسایی حقیقت را شهود می‌داند که مرید با درک دانش یا تجربه^۱ شخصی و یا الهام از مراد به آن نائل شده و در نتیجه طی ریاضت‌ها و سختی‌هایی مراحل خودشناسی و خداشناسی را چون موسی و خضر (مرید و مراد) طی می‌کند. (الهی قمشه ای، ۱۳۸۵، ۶۱) در صورتی که شیخ، مرشد و یا مراد میدان خود ابتکاری مریدان را فراهم ننمایند، خود ارزشیابی در آنان رشد ننموده، پیشرفت مراد آسیب خواهد دید.

۴- نظریه آموزشی اجتماعی^۲:

این نظریه که ترکیبی از رفتارگرایی و شناخت‌گرایی است به تعامل میان شخص، محیط و رفتار اهمیت داده، تقلید و مشاهده را که با پردازش اطلاعات همراه است از عوامل اثربخش یادگیری می‌داند. (بندورا، ۱۹۸۲، ۱۲) محیط به طور مسلم در رفتار تأثیر می‌گذارد، رفتار فراگیرنده بر جبرگرایی دو سویه قرار دارد که با تعامل میان شاگرد، یادگیری، معلم و شرایط آموزشی و پرورشی انجام می‌شود. مربی با انتظار از دانش آموز که باز^۳ خورد به همراه دارد با شیوه‌های تدریس مناسب به ادراک فراگیرنده کمک نموده، اگر لازم باشد به تعامل بیشتری در فرایند آموزش- یادگیری ادامه می‌دهد تا دانش آموز به موفقیت خود مطمئن شود. تقلید و الگوگیری از معلم به اجتماعی کردن دانش آموز مساعدت نموده سبب ایجاد انگیزه‌هایی می‌شود که رفتارهای یادگیری را تقویت می‌کنند.

در جهان عرفان نیز به نظریه آموزشی اجتماعی که هم از تشویق و تقویت برخوردار باشد و هم تعامل مربی، سالک و محیط آموزشی به ادراک و درایت فراگیرنده بیفزاید توجه شده است. شعر حافظ در زیر مویذ این نظریه است.

بنده پیرمغانم که زجهلم برهاند پیر ما هر چه کند عین عنایت باشد

تأثیر^۴ مربی و شیخ در تعلیم و تربیت عرفانی به حدی در آموزش نقش دارد که برخی از عرفا و تصوف‌گرایان وجود چهار نوع مرشد و معلم را در میان اقوام خویش جهت هدایت لازم می‌دانند. (انصاری، ۱۳۸۴، ۱۲۱)

¹- individual experience.

²- socialism.

³- feed back.

⁴- educator's influence.

بررسی تأثیر آموزش در پویایی و تداوم عرفان اسلامی در ایران / ۱۷۱

۱- پیر دلیل: که تلمیذ را با شرائط اولیه سیر و سلوک آشنا می‌سازد تا با اعتماد و استدلال راه‌های پر پیچ و خم عرفان را طی کند یعنی دانش و منطق سازگاری و طی طریق توحیدی را دارا شود.

۲- پیر طریقت: علاوه بر دانش و آگاهی مهارت‌های رفتاری را با تقویت رفتار که همان شرطی شدن آموزش می‌باشد تمرین می‌نماید.

۳- پیر صحبت: با تأیید بازخوردهای صحیح و رفع پیچیدگی‌ها و ابهام‌ها، به شاگردان پندها و نصایح واضح ارائه می‌دهد.

۴- پیر خرقه: مرید را به کسوت مرشد و مراد درآورده، از تعلقات دنیوی رها شده چون آزاده‌ای که از علقه‌های مادی می‌گسلد. با انگیزه‌های امیدوارکننده و شادی بخش قله رفیع یادگیری را طی می‌نماید تا لذت عمل اخلاقی و عرفانی را درک کند.

اهداف آموزش و عرفان

هدف رسالت یا آرمانی است که رهنمون فراگیرنده در جهات طی طریق با آغاز اصل مناسب و استفاده بهینه از راهبرد در مسیر مقصد می‌باشد. اهداف آموزشی و عرفانی در بسیاری از ویژگی‌های دارای وجوه مشترک می‌باشند.

* جهت و روند مسیرها را معین می‌کنند.

* راهنمای روش‌ها و الگوهای عمل می‌باشند.

* راهبردهای پایدار در راستای تسریع و تسهیل نیل به هدف‌ها ارائه می‌دهند.

* راهکارهای کوتاه مدت در مسیر پایانه‌ها معرفی می‌کنند.

* راهنمای^۱ عمل و راهگشای اقدامات در تئوری و تمرین می‌باشند.

* بین نظریه و عمل هماهنگی^۲ ایجاد می‌کنند.

* اهداف آموزشی در بسیاری از نظام‌های آموزشی جهان مقاصد آرمانگر^۳ ایانه معرفت‌شناسی و خداجویی را دنبال می‌کنند. عرفان از لحاظ مفهوم معرفت قلبی انسان تلقی می‌شود که از طریق کشف و شهود حاصل گردد. و عارف فردی است که همه جا در پی

^۱- practical guide.

^۲- coordination.

^۳- aspirations.

کسب معرفت و راه‌های شناخت خدا می‌باشد، هدف از آفرینش کسب معرفت و شناخت راز و رمز عالم خلقت می‌باشد آنچه دارای ماهیت متافیزیکی است عامل ارتباط دهنده‌ای است که تمام عناصر جهان را زنجیروار به یکدیگر وصل کرده است. ایجاد دگرگونی روحانی، اخلاقی و معنوی عقل انسان را برای زمینه سازی یک صلح پایدار و اُفاق جمعی پرورش داده به هدف وحدت^۳ وجود در بشریت و همبستگی انسان‌ها با یکدیگر همانند اعضای یک بدن همکاری خواهد کرد.

بشر در دنیای امروز به صورت جداگانه و یا تفرقه آمیز بدون داشتن آرمان کلی قادر به ادامه زندگی و بقای حیات نخواهد بود. بدون ما شدن نفرات و وفاق جمعی آحاد انسان در آرمان‌های آدمیان چگونه می‌خواهیم در عمل وحدت وجودمان را حفظ نموده و خود را با دیگران یگانه بدانیم. (وین دائر، ۱۳۸۴، ۱۷۹) برای حصول دیدگاه فرا ذهنی خویش لازم است تنگ نظری‌ها و کم بینی‌ها را کنار گذاشته، به سعد صدر، جامع نگری و انعطاف پذیری تمسک جوئیم. به چگونگی عمل متعادل سیستم بدن که تعامل با یکدیگر است برای لحظه‌ای بیندیشیم. پندار و رفتارمان را همسو و همراه و همکار با یکدیگر قرار داده وحدت وجودی فکر کنیم و وحدت وجودی عمل نمائیم زیرا همه ابنای بشر از خرد و کلان، زن و مرد، سیاه و سفید، بومی و غیربومی، مسلمان و مسیحی، فارسی زبان و بیگانه زبان بخشی از یک پیکره بزرگ که بشریت خوانده می‌شود به شمار می‌آیند. به تأیید شاعر نیکومنش و عارف راهبردی قرن ششم سعدی شیرازی بنی آدم را از تار و پود بافت اصلی انسانیت گوهر و وجودی منسجم معرفی نموده که در نظریه عرفانی وحدت وجود با همه تضادهای موجود میان آنها، همگان جزئی از کل بوده و در دنیای متحول می‌توانند ایفاگر نقش‌هایی چون همدلی، همدردی و همبستگی با یکدیگر باشند.

بنی آدم اعضای یکدیگرند
 که در آفرینش زیک پیکرند
 چو عضوی بدمرد آورد روزگار
 دگر عضوها را نماند قرار

¹- creation.

²- social consensus.

³- unity of being.

آموزش مفتاح جاودان سازی عرفان اسلامی در عمل

با آموزش نظری معرفت شناسی و راهکارهای عرفان و تصوف می‌توان استعداد های عرفانی به قوه را به فعل تبدیل نموده، عرفایی صاحب منش، علمایی دارای روش و اندیشمندانی روشنفکر بار آورد که اندیشه ناب عرفانی را در سراسر جهان گسترانده، با سلاح دانش، بینش و عمل عرفانی دنیای پر آشوب مادی را که ارمغان آن جز کشتار، آوارگی و دربدری اشرف مخلوقات، چیز دیگری نمی‌باشد به جهانی آرام، صلح آمیز و همساز تبدیل نمایند.

پیمودن چنین راه دشواری بدون مشارکت نسل جوان و عدم نفوذ سیره و رفتار بزرگسالان عارف در نهالان معرفت گرا و فقدان نظارت هدایتگر در مراحل سیر و سلوک و عدم طی دوران شاگردی و کارورزی ممکن نیست.

در میان انسان‌ها با وجودی که هر یک از آنها موجود منحصر به فردی می‌باشند از جمع آنها مجموعه واحد و نظام منسجمی شکل می‌گیرد که نظریه وحدت وجود را در آثار عرفان اسلامی ترویج می‌نماید. اصل وحدت وجود این اندیشه را به ذهن متبادر می‌سازد که تمام موجودات عالم دارای اصل و منشاء واحدی هستند که وجود نامیده می‌شود. خواه واجب الوجود، ممکن الوجود و خواه موجودات ذهنی و یا موجودات عینی باشند. (ابن عربی، وحدت وجود، ۱۸)

در جهان بی انتها چنانچه به این اصل ایمان و اعتقاد یافته و در عرفان عملی و اخلاقی در هنگام طی راه‌های سیر و سلوک آن را به کار بندد، پنجره‌ای از دنیای داخل به سوی جهان خارج باز می‌گردد که تمام جهان اطراف را منور و با صفا خواهد کرد.

رابطه عشق با عرفان و تعلیم و تربیت

عرفان مفهوم «شهودی و حضوری علم» را در برداشته و عرفا از طریق شهود^۱ که می‌توان از آن به عنوان معرفت احساسی و عاطفی نام برده، در افق‌های نورانی عوالم حیات سیر نموده،

^۱- peaceful.

^۲- participation.

^۳- Islamic Gnosticism.

^۴- existence.

^۵- applied & moral theosophy.

^۶- intuition.

صفات ثبوتیه وحدانیت^۱ صانع عالم را به وضوح درک نموده خویشتن را بخشی از جهان هستی و ذات برتر حق تعالی می‌شناسند. صفات:

عالم و قادر وحی است و مرید و مدرک هم سمیع است و بصیر و متکلم، صادق

دانایی، توانایی، حیات، اراده، شنوایی، بینایی، گویایی و درستکاری را از خصائل ذاتی پروردگار دانسته که آن‌ها را صفات ثبوتیه می‌نامند. یک سری از ویژگی‌ها که آن‌ها را صفات سلبیه می‌گویند نیز از خدای یکتا دور نموده که هیچیک از آن‌ها در ذات ربوبیت که مالک و تربیت^۲ کننده عالمیان می‌باشد راهی ندارند.

نه مرکب بود و جسم، نه مرئی نه محل بی‌شریک است و معانی تو غنی‌دان خالق

خداوند بی‌همتا ترکیبی از اشیاء نبوده، جسم نیست. به رویت در نمی‌آید. دارای مکان و شریک و نظیر نبوده و از همه اشیاء و انسان‌ها بی‌نیاز می‌باشد. شناخت زوایای جهان هستی و توحید وجود مطلق الهی و ارتباط خدا، جهان و انسان^۳ با یکدیگر علاوه بر روش عقلانی که در حیطه بینش فلسفی است به بصیرت عرفانی و عشق به خداشناسی نیازمند است که عارفان ربانی و شعرای عرفان دوست از آن گذرگاه‌های پیچیده با موفقیت عبور نموده‌اند.

عشق به عناوینی مغناطیس تربیت انگیزه عرفان فرآیند معرفت‌شناسی را در دانش پژوهان تسهیل و آنان را به یکتاپرستی و تقرّب الهی نائل می‌سازد، عشق درس را جذاب، بحث را فعال، آموزش را دلپذیر و عرفان را معنا و جاودانگی می‌بخشد.

عشق^۴ هدیه خدایی است که در وجود کائنات نهاده شده، عرفاء و معلمان جرّقه آن را در کلاس هستی و درس روشن نموده شاگردان خود را به صراط^۵ مستقیم هدایت می‌نمایند.

عارف، پیر یا مرشد در کسوت مربی چون پدری مهربان و دلسوز به ارشاد صحیح تلمیذ پرداخته به عنوان هشدار^۶ دهنده شاگرد را از راه‌های کج و معوج باز داشته، راه صحیح و

^۱- unity.

^۲- educator.

^۳- human.

^۴- love.

^۵-the straight path.

^۶- alarming.

بررسی تأثیر آموزش در پویایی و تداوم عرفان اسلامی در ایران / ۱۷۵

نورانی را در جهت نیل به هدف در اختیار او قرار می‌دهد. عشق پایدار در تربیت متریبان نقش اثر^۱ بخشی ایفاء می‌نماید.

عشق ورزیدن یک نوع هنر است اما این هنر به مثابه دیگر هنرها نیاز به تعلیم و تربیت دارد تا شکوفا شده و به بالندگی برسد. (اریک فروم، ۱۳۵۶، ۱۵۲).

عشق راستین که از دلی پاک، قلبی^۲ خالص و هدایتی خداگونه نشأت می‌گیرد و در عرفان اسلامی به عنوان منبع عرفان دینی تلقی می‌شود. عشق موجب تعامل در اندیشه، گفتار و رفتار آدمی شده، در مدرسه، مسجد، خانقاه، محیط کار و خلوت و جلوت ظاهر می‌شود.

عشق در عرفان اسلامی از جایگاه والایی برخوردار بوده که هستی^۳ شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی^۴ را به هم ارتباط داده و شناخت حقیقی ذات حق تعالی را در منظر توحید شناسی برای انسان، محقق می‌سازد. (کربن، ۱۳۹۱، ۶)

مرحله شهودی که بر بنیان‌های عشق، طلب و احساس مثبت استوار است کیفیت و حسن انجام عمل را با هدایت در مسیر صحیح در برداشته و از کمیت و کثرت فاصله می‌گیرد. از اینرو در گزاره *مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ* از واژه عرفان استفاده شده که پویایی، اثربخشی و رضایت را در پی دارد. در اینجا علم به معرفت تبدیل شده و در سراسر وجود انسان جاری و ساری می‌گردد، نیت، عشق، یقین و عمل صالح به هم پیوسته با احتراز از شک، تزویر و ریا ارزش‌های نیت خالص و عشق ناب مشهود می‌شود.

در واقع می‌توان اضافه نمود پیروی از مرشد یا مربی به عنوان الگو و استفاده از ظرفیت‌های ذهنی و مجموعه‌ای از نظریه‌ها، اصول و روش‌های تربیتی راستای نیل به هدف را تسهیل و تمهید می‌نماید و انسان عارف، خداجوی و فهیم و رنجکش را تحویل جامعه می‌دهد. (لیاقت دار، ۱۳۹۶، ۱۹)

که انسان بودن و ماندن چه دشوار است و یابردل چه رنجی می‌کشد آن کس که هشیار است

¹- effective role.

²- pure heart.

³- ontology.

⁴-epistemology .

⁵- axiology.

نتیجه:

از یافته‌های پژوهش چنین بر می‌آید که معرفت عقلی عملی از معرفت عقلی نظری در عرفان نشأت می‌گیرد که تنها از طریق آموزش اثربخش با تعامل مثلث تربیتی عارف، مرید و موقعیت موجود انجام می‌شود. به علاوه آموزش با استفاده از راهبردهای متنوع در جهت نیل به اهداف عالی عرفانی و فلسفی موجب گسترش نظریه‌ها و اصول عرفانی در جامعه و جهان شده گیتی را استحکام و انسجام می‌بخشد. ارائه الگوهای عرفانی از عارفان کامل معرفت نمادهایی از آموزش و پرورش شاگردانی می‌باشد که با اعتقاد راسخ به جهان معنوی پیشرو عرفان اخلاقی و عملی بوده و با عشق و استقامت در راه عبور از آن مراحل دشوار زندگی را با توکل به عارف کل یعنی خدای متعال پیموده‌اند.

آموزش همواره به عنوان ابزاری کارساز، فرآیندی مشکل‌گشا و سائق‌پیشرفت‌گرا در خدمات مکاتب عرفانی و اخلاقی راهنما و یاور رهپویان عرفان در نظر و عمل بوده است. در قرن اطلاعات که جهان دستخوش تغییرات و بحران‌های معنوی زیادی قرار گرفته فرآیند آموزش - یادگیری در عرفان و اخلاق می‌تواند به عنوان راهبردی اثربخش و فراگیر با آغازگری اصول آموزش و پرورش نظیر فعالیت، فردیت آزادی، سندیت و کمال از هر یک به اندازه مطلوب و دور از افراط و تفریط و ادامه رویکردهای تربیتی رفتارگرایی، شناخت‌گرایی، انسانگرایی و اجتماعی با طراحی و برنامه ریزی نخبگان خداجوی یعنی اشرف مخلوقات را که نمود خدا بوده و پروردگار را که مالک و مربی وجود انسان‌ها می‌دانند سیر مسالت آمیز زندگی و روند سعادت قرین آخرت را طی نمایند.

منابع و مأخذ:

الف) داخلی

- ۱- ابراهیم دینانی، غلامحسین، (۱۳۸۰)، «دفتر عقل و آیت عشق»، جلد اول، تهران، طرح نو.
- ۲- امام، سید محمد کاظم، (۱۳۷۱) «تصوف» تهران، نیکپور.
- ۳- انصاری، قاسم، (۱۳۷۶)، «مبانی عرفان و تصوف» تهران، طهوری.
- ۴- باقری، خسرو (۱۳۹۰)، «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۵- پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۴) «رمز و داستان‌های رمزی»، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- حافظ، محمد، بی‌تا، «محمد قزوینی و قاسم غنی» تهران، نشر زوار، چاپ سینا.
- ۷- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۹)، «معرفت نفس»، جلد سوم، چاپ ششم، تهران، علمی و فرهنگی.
- ۸- حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۴) «جلوه‌های عرفان و چهره‌های عرفان»، تهران، نشر قطره.
- ۹- زرین کوب، دکتر عبدالحسین، (۱۳۵۷) «جستجو در تصوف»، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- سجادی، سید ضیاءالدین (۱۳۷۵)، «مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصرف» تهران، سمت.
- ۱۱- سجادی، سیدعلی محمد، (۱۳۷۵)، «جامه زهد خرقه و خرقه پوشی»، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- شمشیری، بابک، (۱۳۸۵)، «تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان» تهران، کتابخانه طهوری.
- ۱۳- لیاقت دار، محمدجواد (۱۳۸۶)، «تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع)» تهران، نشر معارف.
- ۱۴- مولوی، جلال الدین، (۱۳۵۵)، «دیوان غزلیات» بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵- نصر، سیدحسین (۱۳۸۱)، «معرفت و معنویت» مترجم: انشاءالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- ۱۶- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۰)، «مدرنیته و مدرنیسم» تهران، نقش جهان.

- ۱۷- نیکلسون، رینولد، (۱۳۵۸) «تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا»، شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران، نشر توس.
- ۱۸- وین دایر، (۱۳۸۴) «عرفان داروی دردهای بیدرمان»، ترجمه: محمدحسن نعیمی، تهران، نگارستان کتاب.
- ۱۹- یثربی، یحیی (۱۳۷۹)، «پژوهشی در نسبت دین و عرفان» تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۰- یونگ، گوستاو، کارل (۱۳۷۹)، «روح و زندگی»، مترجم: لطیف صدقیانی، تهران، جامی.

(ب) خارجی

- 1-Araki, muhsin (2001) "Love in Irfan, Transendent philosophy, Vol 12".
- 2- Beare, Hedley (2005) "creating the future school" London, Rouldege falmer.
- 3-Levis, m, Haviland, J. M (2006) "The phicosophy of emotions" us. A. Guilford.
- 4- Morrison, keith, Jargen Habermas (2008) "in the fifty modern thinkers on education" by joy, A. palmer (Ed), London Rouldefge.
- 5- Weiner,B., (1990) "History of motivational reserch in education" Journal of educational philosophy. Vol 82.
- 6- Wringe, colin (2009) "can spirituality be part of education" Journal of philosophy of education.
- 7-Charles sanders pierce, (1984) "our whole conception of an object consists in our conception of its practical effects" vol, V, 402 London.
- 8- H. R. Romer "The safawid period in combridge of Iran" Vol. VI, 192-203.
- 9- Internet, (2012) "Instruction of theosophy".
- 10-Margaret smith, ch, pellat "Encyclopedia of Islam" Vol, 345.

11- Edwards, paul, (2010) "mysticism, Islamic Philisophy" In
encyclopedia of philosophy.

12- Underhill, Evelyn, (2009) "The essentials of mysticism and other
essays" one- world publication. U. S. A.